

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لنین
فرستنده: علی مشرف
۰۳ می ۲۰۲۱

اول ماه می

رفقای کارگر! اول ماه می در راه است، روزی که کارگران تمامی سرزمین ها، باز شدن چشمانشان را به سوی یک زندگی آگاهانه، همبستگی‌شان را در مبارزه علیه تمامی اشکال اجبار و اضطراب و ستم انسان به دست انسان، یعنی مبارزه برای رها ساختن میلیون ها زحمتکش از گرسنگی، فقر و حقارت را جشن می گیرند. در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری.

در یک سو، مشتی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین آلات را تصرف و میلیون ها جریب زمین و کوه هائی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده اند. آن ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده اند.

در سوی دیگر، میلیون ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشتی نوکیسه پولدار التماس کنند تا به آن ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آن هاست که این افراد تمام ثروت ها را خلق می کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده ای نان مبارزه کنند؛ برای کار التماس کنند، توگویی صدقه می خواهند؛ نیرو و سلامت خود را با زحمات کمرشکن تحلیل ببرند و در آلونک های محقر روستائی یا اتاق های زیرشیروانی و انبارهای زیرزمین در شهرهای بزرگ، از گرسنگی جان دهند.

اما اکنون این زحمتکشان محروم به نوکیسگان پولدار و استثمارگران، اعلام جنگ نموده اند. کارگران تمامی کشورها درحال مبارزه برای آزاد ساختن کار از بردگی مزدی، از فقر و احتیاج هستند. آن ها مشغول مبارزه برای نظامی از جامعه هستند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مشتی ثروتمند، که هر آن کس را که کار می کند، منتفع می سازد. آن ها می خواهند که زمین و کارخانجات، مراکز تولیدی و ماشین آلات را تحت مالکیت مشترک تمامی زحمتکشان درآورند. خواهان آنند که به شکاف میان فقیر و غنی پایان دهند، ثمرات کار را به خود کارگران برسانند؛ تمامی دستاوردهای فکری بشر و تمامی بهبودهای روش های کار را درخدمت بهبود سرنوشت کسی قرار دهند که کار می کند، و نه این که آن را به ابزار ستم بر وی تبدیل کنند.

پیکار عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری های عظیم کارگران صورت گرفته است. آن ها بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی واقعی را با جوی هائی از خون خود پرداخته اند. آنانی که در راه آرمان طبقه کارگر

مبارزه می کنند، مورد اذیت و آزارهای بی شمار حکومت ها قرار می گیرند. اما با وجود تمامی آزار و اذیت ها، همبستگی کارگران جهان، رو به رشد و قوام گرفتن است. کارگران هر چه بیش تر در احزاب سوسیالیست متحد می شوند؛ هواداران این احزاب که در حال رسیدن به میلیون ها نفر هستند، به طور پیوسته و گام به گام به سوی پیروزی کامل بر طبقه استثمارگران سرمایه دار پیش می روند.

پرولتاریای روسیه نیز چشم به زندگی نوینی گشوده است. او نیز به این پیکار عظیم پیوسته. آن روزهایی که کارگر ما مطیعانه بردگی می کرد، آن روزهایی که نه مفری برای گریز از وضعیت اسارت بارش می دید و نه کورسوی امیدی در زندگی تلخ خود داشت، سپری شده است. سوسیالیزم راه بُرون رفت را به او نشان داده، و هزاران مبارز به زیر پرچم سرخ، این ستاره راهنمای مسیر، گرد آمده اند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آن ها آموخته اند که حمله را با حمله پاسخ دهند؛ به آن ها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. کارگران دریافته اند که از قیل کار آن هاست که سرمایه داران و حکومت، زنده اند و فربه می شوند. کارگران با روح مبارزه متحده، با آرزوی آزادی و سوسیالیزم برانگیخته شده اند. کارگران دریافته اند که حکومت مطلقه تزار چه نیروی اهریمنی و سیاهی است. کارگران برای مبارزه خود نیازمند آزادی هستند، ولی حکومت تزار دست و پای آنان را می بندد. کارگران به آزادی اجتماع، آزادی تشکل، آزادی مطبوعات و کتاب نیاز دارند، اما حکومت تزاری هرگونه کوشش برای آزادی را با تازیانه، زندان و سرنیزه، درهم می شکند. فریاد «مرگ بر حکومت مطلقه!» طول و عرض روسیه را درنوریده، بیش از پیش در عموماً خیابان ها، گردهمایی های وسیع توده ئی کارگران، به گوش رسیده است. تابستان سال پیش، ده ها هزار نفر از کارگران در سرتاسر جنوب روسیه برای یک زندگی بهتر، برای آزادی از سلطه پولیسی، به مبارزه برخاستند. بورژوازی و حکومت با مشاهده ارتش مهیب کارگران که با یک ضربه، کل حیات اقتصادی شهرهای بزرگ را به وقفه درآورده بود، به خود لرزید. بسیاری از مبارزان راه آلمان طبقه کارگر، در مقابل گلوله سربازانی که تزاریزم علیه دشمن داخلی گسیل داشته بود، به خاک افتادند.

اما نیروئی نیست که قادر به درهم شکستن این دشمن داخلی باشد، چرا که طبقات حاکم و حکومت، تنها با نیروی کار آن زنده هستند. نیروئی بر روی زمین نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکند. هر شکستی که کارگران متحمل می شوند، مبارزان جدیدی را برای صفوف مبارزه به ارمغان می آورد، چشم توده های وسیع تری را به یک زندگی جدید بازمی کند و آن ها را برای مبارزات تازه آماده می سازد.

سیر رویدادهائی که روسیه طی می کند، به گونه ای است که این بیداری توده های کارگر، به طور قطع سریع تر و گسترده تر خواهد بود، و ما باید برای متحد ساختن صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای مبارزه به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بندیم. جنگ حتی عقب مانده ترین بخش های پرولتاریا را هم وادار کرده است تا به مسائل و امور سیاسی علاقه نشان دهند. جنگ با وضوح و روشنی بیشتری درحال به نمایش گذاشتن گندیدگی تمام و کمال نظم حکومت مطلقه، جنایتکاری تام و تمام پولیس و باند دستگاه قضائی حاکم بر روسیه است. مردم ما از احتیاج و گرسنگی در داخل رو به مرگ هستند- درحالی که خود به جنگی ویرانگر و بی معنا برای قلمروهای بیگانه کشانده شده اند که فرسنگ ها از این جا دورند و اقوام خارجی در آن سکنا گزیده اند*. مردم ما در بردگی سیاسی، مغلوب هستند- درحالی که خود به جنگ برای به بردگی کشاندن سایر مردم کشیده شده اند. مردم ما خواهان تغییر نظم سیاسی در داخل هستند- اما تلاش می شود که با غرض تفنگ ها در آن سوی دنیا، توجه آن ها منحرف گردد. ولی حکومت تزار در این

قمار خود، در بر باد دادن جنایتکارانه ثروت ملت و مردان جوانی که به سواحل اقیانوس آرام فرستاد تا بمیرند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی به مردم فشار می آورد و جنگ دشوار علیه جاپان با فرهنگ و آزاد، فشاری دهشتناک بر گرده روسیه است. این فشار در زمانی وارد می آید که ساختار استبداد پولیسی، تاکنون زیر ضربات پرولتاریای بیدار و هوشیار، تلوتلو خوردن های خود را آغاز کرده است. جنگ در حال عریان کردن تمامی نقاط ضعف حکومت است، جنگ در حال دریدن تمامی لباس های مبدل دروغین است، جنگ در حال افشای کل گندیدگی داخلی است؛ جنگ در حال افشای مضحکه حکومت مطلقه تزار در پیش روی همگان است؛ جنگ آخرین جان کندن های روسیه کهن را به همه نشان می دهد، روسیه ای که مردم آن نادان، سر به زیر و فاقد حق رأی هستند؛ روسیه ای که هنوز هم در آن سیرف در اسارت حکومت پولیسی قرار دارد.

روسیه کهن در حال احتضار است. روسیه ای آزاد در راه است که جای آن را بگیرد. نیروهای سیاهی که از حکومت مطلقه تزار پاسبانی می کردند، در حال غرق شدن هستند. اما تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است که ضربه مرگ بار را به آنان وارد سازد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی و نه ساختگی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند هرگونه تلاش را برای فریفتن مردم، محدود کردن حقوق آن ها و تبدیل آن ها به ابزاری صرف در دستان بورژوازی، در نطفه خفه کند.

رفقای کارگر! پس بگذارید که ما با انرژی مضاعف برای نبرد تعیین کننده ای که در شرف وقوع است، آماده شویم! بگذارید که صفوف پرولترهای سوسیال دمکرات هر چه منسجم تر به هم نزدیک شوند! بگذارید پیامشان هرچه وسیع تر گسترش یابد! بگذارید فعالیت برای مطالبات کارگران هر چه متهورانه تر انجام شود! بگذارید که جشن اول ماه می هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان ما جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای آزادی تمام مردم، برای رهائی تمام زحمتکشان از یوغ سرمایه، افزون نماید!

زنده باد هشت ساعت کار در روز!

زنده باد سوسیال دمکراسی انقلابی بین المللی!

سرنگون باد حکومت مطلقه جنایتکار و غارتگر تزار!

منبع: [اینجا](#)

***توضیح مترجم:** مقصود جنگ روسیه-جاپان است که در تاریخ ۸ فیبروری ۱۹۰۴ آغاز و نهایتاً با امضای پیمان صلح به دعوت تئودور روزولت در اوهایو به تاریخ ۵ سپتمبر ۱۹۰۵، به پایان رسید. جاه طلبی های روسیه تزاری در آسیا با لشکرکشی امپریالیزم جوان و نیرومند جاپان به سمت غرب، که نهایتاً به اشغال منچوری و فشار به مرزهای روسیه در شرق دور و سیبری انجامید، رو به رو شد. این جنگ با تحمیل شکست های مفتضحانه به روسیه که نقطه اوج آن در سقوط بندر «پورت آرتور» بود، گندیدگی درونی رژیم تزاری را بخوبی به نمایش گذاشت. موج نارضایتی عمومی در جامعه به دنبال سلطنت مطلقه تزار و همین طور ویرانی های حاصل از جنگ، این بار حتی عقب مانده ترین اقشار طبقه کارگر را هم تحت تأثیر قرار داده بود. به همین دلیل وقوع این جنگ در واقع یکی از عوامل مهم تسریع کننده انقلابی بود که در سال ۱۹۰۵ به وقوع پیوست.